

تفسیر سورہ

ضحیٰ

سیمای سوره ضحی

این سوره یازده آیه دارد و در مکه نازل شده است. نام سوره، برگرفته از آیه اول است که با سوگند به هنگام بالا آمدن روز آغاز می‌شود.

از آنجا که مخالفان، به خاطر قطع نزول وحی به مدّت پانزده روز، به آن حضرت نیش زبان می‌زدند، لذا این سوره در مقام دلداری به پیامبر است و حمایت‌های خداوند از آن حضرت را، از هنگام یتیمی تا رسیدن به رسالت بیان می‌دارد.

و آنگاه از پیامبر می‌خواهد تا او نیز با یتیمان و محرومان برخوردی خدایی داشته و با زبان و عمل، نعمت‌های الهی را آشکار ساخته و سپاس‌گزار آنها باشد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

﴿۱﴾ وَالضُّحَى ﴿۲﴾ وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَى ﴿۳﴾ مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَى ﴿۴﴾
وَلَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَى ﴿۵﴾ وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ
فَتَرْضَى

(۱) به روشنایی آغاز روز سوگند. (۲) به شب سوگند آنگاه که آرامش بخشد. (۳) پروردگارت تو را وانگذاشته و خشم نگرفته است. (۴) همانا آخرت برای تو بهتر از دنیا است. (۵) و به زودی پروردگارت (چیزی) به تو عطا کند که خشنود شوی.

نکته‌ها:

- «ضحی» به معنای اوایل روز و هنگام چاشت است. «سجی» هم به معنای پوشاندن و هم به معنای سکون و آرامش است.
- «ودّعک» از «تودیع» به معنای واگذاشتن و رها کردن است و «قلی» به معنای شدت عداوت و بغض و خشم و قهر است.
- برای چند روزی وحی بر پیامبر اکرم ﷺ قطع شد. مخالفان سرزنش کردند که خدا تو را رها کرده است. این آیات نازل شد و حضرت را دلداری داد. شاید دلیل قطع وحی آن بود که خداوند به مردم بفهماند هر چه هست از اوست و پیامبر در الفاظ وحی و زمان نزول آن و مقدار آن، از خود اختیاری ندارد.
- نشانه آنکه خدا پیامبرش را رها نکرده، این است که در این سوره کوچک، سیزده بار شخص پیامبر مورد خطاب قرار گرفته است.

پیام‌ها:

- ۱- روشنی روز و تاریکی و آرامش شب دو نعمت بزرگ الهی است که مورد سوگند خداوند قرار گرفته است. ﴿وَالضُّحَىٰ وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَىٰ﴾
- ۲- با قاطعیت، زبان بدگویان را قطع و دل پاکان را بدست آورید. ﴿وَالضُّحَىٰ وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَىٰ مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ﴾
- ۳- به قضاوت‌ها و پیش‌داوری‌ها و تحلیل‌های نادرست، صریحاً جواب بدهید. ﴿مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ﴾
- ۴- مربی نباید کسی را که تحت تربیت اوست رها کند. ﴿مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ﴾
- ۵- قطع موقت لطف را نشانه غفلت و قهر الهی ندانید. ﴿مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَىٰ﴾

﴿٦﴾ أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَىٰ ﴿٧﴾ وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَىٰ ﴿٨﴾ وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَىٰ ﴿٩﴾ فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ ﴿١٠﴾ وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ ﴿١١﴾ وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ

- (۶) آیا تو را یتیم نیافت، پس پناه داد و سامانت بخشید. (۷) و تو را سرگشته یافت، پس هدایت کرد. (۸) و تو را تهی‌دست یافت و بی‌نیاز کرد. (۹) (حال که چنین است) پس بر یتیم قهر و تندى مکن. (۱۰) و سائل را از خود مران. (۱۱) و نعمت پروردگارت را (برای سپاس) بازگو کن.

نکته‌ها:

- مراد از «آخرت» در آیه ﴿وَلَاخِرَةُ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَىٰ﴾ یا روز قیامت است و یا عاقبت کار پیامبر در همین دنیا.
- قبل از تولد پیامبر ﷺ، پدرش عبدالله از دنیا رفت. در کودکی مادرش را از دست داد و هشت ساله بود که جدش عبدالمطلب از دنیا رفت و از این رو از درد یتیمان خبر داشت.

□ قرآن می‌فرماید: ﴿ما ضلّ صاحبکم و ما غوی﴾^(۱) یعنی پیامبر شما حتی برای یک لحظه گمراه نبوده است. پس مراد از ﴿و جدک ضالاً فهدی﴾ آن است که اگر هدایت الهی نبود، راه به جایی نمی‌بردی.

چنانکه در سوره شوری آیه ۵۲ می‌فرماید: ﴿ما کنت تدری ما الکتاب و لا الایمان و لکن جعلناه نورا نهدی به﴾ اگر لطف ما نبود تو خبری از کتاب و ایمان نداشتی. و در سوره یوسف آیه ۳ نیز می‌فرماید: ﴿اوحینا الیک هذا القرآن و ان کنت من قبله لمن الغافلین﴾ تو قبل از نزول قرآن از بی‌خبران بودی. کلمه «ضال» هم به معنای گمراه است و هم به معنای گمشده، نظیر «الحکمة ضالة المؤمن»^(۲) حکمت گمشده مؤمن است.

آری پیامبر قبل از نزول وحی متحیر بود و با نور وحی با دستورات و وظیفه الهی خود آشنا می‌شد.

□ «عائل» به فقیر گفته می‌شود و «قهر»، غلبه توأم با تحقیر است. «نهر» راندن همراه با خشونت است. عنوان نهر آب نیز به خاطر حرکت تند آب است.

□ اگر نیازهای یتیم تأمین نشود مفسد اخلاقی و اجتماعی فراوانی جامعه را تهدید می‌کند و کمبود محبت ممکن است یتیم را به صورت فردی سنگدل و عقده‌ای درآورد.

□ در حدیث می‌خوانیم: امیدوارکننده‌ترین آیات قرآن، آیه ﴿و لسوف یعطیک ربّک فترضی﴾ می‌باشد که مراد شفاعت است.^(۳)

□ رضای پیامبر در دنیا و آخرت، مورد نظر خداست. چنانکه در دنیا قبله را برای رضای او تغییر داد تا یهودیان بر او منت ننهند که رو به بیت المقدس که قبله ماست نماز می‌گزارى. ﴿فلنولینک قبلهً ترضاها﴾ و در آخرت، مقام شفاعت به او می‌دهد تا راضی شود. ﴿و لسوف یعطیک ربّک فترضی﴾^(۴)

□ امام باقر علیه السلام دوبار سوگند یاد فرمودند که مراد از آن عطای مخصوص که خداوند به

۲. نهج البلاغه، حکمت ۸۰.

۱. نجم، ۲.

۳. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۴۶۶.

پیامبرش عطا خواهد کرد، شفاعت است. «والله الشفاعة والله الشفاعة»^(۱) و امام صادق علیه السلام فرمود: رضایت جدم به این است که موحدی در آتش باقی نماند.^(۲)

□ امام صادق علیه السلام در ذیل آیه «و اما بنعمة ربك فحدث» فرمودند: «حدث بما اعطاك الله و فضلك و رزقك و احسن اليك و هداك»^(۳) آنچه از عطاها، برتریها، رزقها، احسانها و هدایت‌های اوست بازگو کن.

□ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «التحدث بنعمة الله شكر و تركه كفر»^(۴) کسی که آثار نعمت‌های الهی در زندگی او دیده نشود، دشمن خدا و مخالف نعمتهای اوست.

پیام‌ها:

- ۱- خداوند پیامبرش را از هرگونه قهر و غضب در دنیا و آخرت بیمه کرده است.
«وللاخرة خير لك...»
- ۲- نعمت‌های آخرت، زوال و رنج و نقص نعمت‌های دنیوی را ندارد. «وللاخرة خير لك من الاولى»
- ۳- در برابر قطع موقت وحی، خداوند وعده چشمگیر به پیامبرش می‌دهد.
«ولسوف يعطيك ربك»
- ۴- مالکیت تمام دنیا هم مردان خدا را راضی نمی‌کند، پس تحقیق وعده خداوند، در جهان دیگری است. «لسوف يعطيك ربك فترضى»
- ۵- جلب رضای پیامبر، مورد توجه خداست. «فترضى»
- ۶- رهبر باید درد آشنا باشد تا درد دیگران را لمس کند. «الم يجدك يتيماً، عائلاً»
- ۷- یتیمی، مانع رسیدن به کمال نیست. «الم يجدك»
- ۸- منت گذاری انسان بر انسان زشت است، ولی منت خدا بر انسان یک ارزش است. «الم يجدك يتيماً فاوی...»

۳. تفاسیر مجمع البیان و نمونه.

۲. تفسیر صافی.

۱. بحار، ج ۸، ص ۵۷.

۴. وسائل، ج ۸، ص ۴۰.

- ۹- یاد نعمتهای الهی، روحیه تشکر از خدا و خدمت به دیگران را در انسان زنده می‌کند. ﴿الم یجدک یتیمًا فاوی... فاما الیتیم فلا تقهر﴾
- ۱۰- در هنگام قدرت، از زمان ضعف خود یاد کنید. ﴿الم یجدک یتیمًا﴾
- ۱۱- الطاف الهی با واسطه است. ﴿آوی﴾ (مأوی دادن و غنی کردن خداوند از طریق حضرت ابوطالب و حضرت خدیجه بود).
- ۱۲- پناه دادن به یتیم و غنی کردن فقیر، کاری الهی است. ﴿فاوی - فاغنی﴾
- ۱۳- اگر گذشته تلخ خود را یاد کنید، محرومان را منع و طرد نمی‌کنید. ﴿فاما الیتیم فلا تقهر﴾
- ۱۴- رسیدگی به یتیم، به دلیل شرایط سنی و روحی او در اولویت است. ﴿فلا تقهر - فلا تنهر﴾
- ۱۵- نعمتها را از خدا بدانید و به آن مغرور نشوید. ﴿نعمه ربک﴾
- ۱۶- بازگو کردن نعمت یک نوع شکرگزاری است. ﴿فحدث﴾
- ۱۷- لطف گذشته خداوند، عامل امید به آینده است. (خدایی که در گذشته، یتیمی و فقیری و تحیر تو را برطرف کرد، آینده و آخرت تو را بهتر قرار می‌دهد). ﴿وللاخرة خیر لک... الم یجدک...﴾
- ۱۸- خدا زیاد می‌بخشد ولی کم می‌خواهد، فقیر را غنی می‌کند ولی از ما نمی‌خواهد فقیر را غنی کنیم، فقط می‌فرماید: فقیر را طرد نکنید. ﴿و اما السائل فلا تنهر﴾ یتیم را مأوی می‌دهد ولی از ما در این حد می‌خواهد که بر یتیم سلطه نیفکنیم. ﴿و اما الیتیم فلا تقهر﴾
- ۱۹- خداوند، سؤال نکرده عطا می‌کند، پس ما لا اقل بعد از سؤال و درخواست، به دیگران کمک کنیم. ﴿و وجدک عائلاً فاغنی... و اما السائل فلا تنهر﴾
- ۲۰- نعمت‌ها را محصول علم و تخصص و زرنگی خود ندانید، بلکه لطف او بدانید ﴿بنعمه ربک...﴾
- ۲۱- یاد نعمت‌ها انسان را از یأس و خودباختگی نجات داده و مقاومت او را در

برابر حوادث زیاد می‌کند. ﴿بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ﴾

۲۲- مهمتر از غذا و لباس برای یتیمان، محبت است. ﴿أَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ﴾

۲۳- اگر بیماری و فقر و سختی برای انسان رخ دهد، یاد سایر نعمت‌ها برای او

مرهمی است. ﴿وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ﴾

۲۴- نعمت‌های الهی باید در مسیر رشد و تربیت انسان باشد نه غفلت او. ﴿نِعْمَةٌ

رَبِّكَ﴾

«وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»